

## خلقت انسان و موجودات در قرآن منشاء جانداران و تکامل

### بابک حکمت

اینجا قصد داریم که به منشاء انسان و یا خلقت آدم و حوا و موجودات از دید خدای محمد در قرآن بپردازیم و سپس در کنارش، ببینیم که علم در باره منشاء حیات و تکامل موجودات چه میگوید. اما قبل از پرداختن به آیات قرآنی، مختصری از تاریخچه اندیشه های بشر در باره حیات و پیدایش انسان را از نظر می گذرانیم.

مختصری از تاریخچه اندیشه های بشر در مورد پیدایش حیات و انسان اینکه حیات و انسان در روی زمین چگونه به وجود آمده پرسشی قدیمی است که علم و مذهب و فلاسفه ماتریالیست و ایده آلیست پاسخهای متفاوتی به آن داده اند. بر اساس آنچه باستان شناسان و دیگر صاحب نظران روشن ساخته اند، قصه آدم و حوا نخست در میان اکدیها و سومریها شهرت داشته و از آنان به کلدانی ها صفحه ۷

## تاریخ پیدایش جهان

### بهزاد جواهری

تئوری بیگ بنگ (مهبانگ) برجسته ترین تئوری علمی است که تاکنون در مورد پیدایش جهان ارائه شده است. به طور تخمینی انفجار بزرگ در حدود 15 میلیارد سال گذشته رخ داد. با اینکه بشر سالیان سال است که در جستجوی درک پیدایش جهان است اما تنها در طی 50 سال گذشته توانسته است که به پاسخ برخی از سوالات در باره پیدایش جهان و عالم گیتی دست یابد.

در طول این سالیان تمدنهای مختلف با به وجود آوردن گونه های مختلف کیهان شناسی سعی بر آن داشته اند که فلسفه هستی و پدیده های که در طبیعت و آسمان تاریک رخ میدهد را روشن سازند. به طور قابل ملاحظه بعضی از عقاید مطرح شده از بعضی

صفحه ۴

## کودکان و آموزش و پرورش اسلامی در دفاع از آموزش سکولار

### اعظم کم گویان



این واقعیتی انکار ناپذیر است که آموزش و پرورش از مهمترین سنگ بناهای کلیه جوامع انسانی بوده و خواهد بود. شیوه و روشی که یک جامعه کودکان خود را بار می آورد، قبل از هر چیز و بیش از هر چیز دیگری در سیستم آموزش و پرورش آن جامعه منعکس می شود.

من در سخنرانی ام می کوشم تصویر کاملی از آموزش اسلامی در ایران بدهم، تاثیر آموزش اسلامی را بر برنامه آموزشی مدارس، بر دختران دانش آموز و حقوق آنها و بر رابطه بین کودکان دختر و پسر دانش آموز بررسی خواهم کرد. بحث در مورد تحمیل حجاب بر دختر بچه ها و نوجوانان دختر، حاکمیت آپارتاید جنسی و شیوه برخورد به مسائل جنسی و آموزش جنسی در مدارس ایران بخش دیگری از سخنرانی من است. در پایان بر ضرورت یک سیستم آموزشی سکولار که ضامن تربیت و بار آوردن یک نسل شکوفا از کودکان و جوانان است و توسعه و تحول جامعه را تامین می کند، تاکید می نمایم.

با موج برگشت علیه سکولاریسم در سطح جهان، عروج اسلام سیاسی

## تعقیب و آزار به اتهام جادوگری

صفحه ۱۲



## دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

و تلاش برای بازگرداندن خدا و حاکمیت دین بر زندگی اجتماعی مردم، بیست ساله گذشته را به دوران تاریکی در زندگی مردم بخصوص زنان و کودکان تبدیل کرد. افکار و آرای قرون وسطایی برای ستم به مردم به قانون زندگی در قرن بیستم تبدیل شد. کلمات از بیان استبداد و توحش جنبشهای اسلامی و دولت‌های اسلامی قاصرند. پس از یک دوره طولانی که اسلام دیگر به میزان گذشته در حاکمیت و قدرت قرار نداشت، دوباره ایدئولوژی در حاکمیت در یک سری از کشورها منجمله ایران گردید که در نتیجه آن جامعه دچار عقبگردهای جدی ای در حقوق مدنی بخصوص حقوق انسانی و مدنی زنان و کودکان گردید. یکی از این عقبگردهای ویران کننده، آموزش و پرورش اسلامی است. آموزش اسلامی در برنامه درسی مدارس و در محیط آموزشی، در چگونگی برخورد به تحولات علمی و در شیوه ای که حقوق دختران دانش آموز پایمال می شود و بویژه در تعالیم اسلامی نسبت به زنان خود را نشان می دهد.

برنامه درسی مدارس در سیستم آموزشی مذهبی موجود که تاکنون در برخی از جوامع عملی و اجرا می شود، روش، تلقین و تحمیل مذهب به کودکان دانش آموز بوده است. این روش کودکان را وادار می کند که فقط به اعتقاداتی که توسط والدین و یا اولیا مدرسه به آنها تلقین می شود باور کنند و مغز و قدرت فکری و عقلی خود را بر روی هر نوع اندیشه متمایز و متفاوت ببندند. در این سیستم معلمان می کوشند عقاید خدشه ناپذیر در مورد وجود خدا، در مورد حقانیت مسیحیت و غیره را در ذهن کودکان بکارند و از تهدید و تطمیع و تنبیه برای این تحمیل استفاده می کنند. در جوامع خاورمیانه اسلام تاثیر فوق العاده ای در مدارس و سیستم آموزش و پرورش دارد. ایران در این منطقه، یک نمونه بشدت افراطی است و تاثیر اسلام در سیستم

آموزشی فراتر از مرزهای متعارف است. در ایران اسلام در قدرت سیاسی و حاکمیت قرار دارد و بر کلیه جنبه های تحصیل و آموزش حکم می کند. اعتقاد به این دین و زندگی طبق احکام، ارزشها و تعالیم اسلامی، پیش شرط زندگی و بقای مردم در ایران است. آموزش قرآن کتاب آسمانی اسلام و یاد گرفتن آن از سال اول تحصیل ابتدایی اجباری است. معلمین برای گرفتن جواز تدریس، باید در امتحانی که معلومات و دانش اسلامی آنها را تست می کند، قبول بشوند. این امتحان میزان معلومات معلمین در مورد احکام اسلام، نماز، قرآن و حدیث و شایستگی آنها برای تدریس را اندازه می گیرد.

در مدارس، روزمره پروپاگاندا اسلامی بطور سیستماتیکی در جریان است. آزادی اندیشه و افکار آزادانه و فارغ از کنترل دین ممنوع و قابل مجازات است. خرافات در برنامه درسی مدارس نفوذ و اشاعه یافته است. این وضعیت، یک محیط تاریک، راکد و سیاه را بر مدارس حاکم کرده است. به کودکان می آموزند که اگر از احکام و مقررات اطاعت نکنند در آتش جهنم خواهند سوخت. این وضعیت دانش آموزان را از یادگیری و تجربه و کسب دانش و علم محروم می کند. این فضا حس کنجکاوی آنها را می کشد و جستجوگری و تمایل به یاد گرفتن را با احکام و ارزشهای تاریک و کهنه ۱۴۰۰ سال پیش یعنی زمان محمد پیغمبر اسلام را جایگزین آنها می کند.

احکام و تعالیم اسلامی در مورد زنان یکی از مخرب ترین جنبه های آموزش و پرورش در ایران است. این تعالیم به کودکان می آموزند که زنان جنس فرودست و نیمه مرد محسوب می شوند؛ که زنان مایملک مردان هستند؛ که مردان در صورتی که همسرانشان از آنها اطاعت نکنند حق دارند آنها را تنبیه کنند و کتک بزنند؛ که زنان منشا بالفعل فساد کشیدن جامعه هستند و به همین دلیل حجاب باید به آنها تحمیل شود تا

جلوی فساد اخلاقی جامعه گرفته شود. به کودکان می آموزند که حجاب بعنوان مرز مشروع حضور فیزیکی زن، مردان و جامعه را از هر نوع خطر احتمالی بی اخلاقی و تخریبی که زنان منشا آن هستند، حفظ می کند. کودکان دانش آموز در مدرسه یاد می گیرند که وظیفه اصلی زنان خانه داری، بچه داری و خدمت به شوهر است. آموختن سلطه مرد و موقعیت فرودست زن بمثابه امری طبیعی، لازم و موجه یک تم اصلی آموزش در مدارس ایران است. زنان فقط بعنوان مادر و زن خانه دار در کتابهای درسی توصیف و تصویر می شوند. در مدارس به کودکان رابطه سنتی بین زن و مرد، جداسازی زنان در زندگی اجتماعی و آپارتاید جنسی را بعنوان نورم زندگی آنها آموزش می دهند.

آپارتاید جنسی یک وجه مهم دیگر آموزش دینی در ایران، حاکمیت آپارتاید جنسی است. در ایران آپارتاید جنسی در کلیه زمینه های زندگی از جمله در محیط های کار، رستورانها، ترانسپورت، کتابخانه ها، بیمارستانها و مراکز درمانی و مدارس و مراجع آموزشی اجرا می شود. کودکان دختر و پسر از همان ابتدا در مدارس از هم جدا می شوند. طبق ارزشهای اسلامی که در ایران مبنای قوانین هستند، زنان بدلیل جنسیت شان متهم هستند که جامعه را فساد می کشانند و مردان را از خود بیخود می کنند. بخاطر این جرم باید آنها را از همان اوان کودکی تا لحظه مرگ کنترل کرد و مجازات نمود.

دختران دانش آموز چه در مدرسه و چه در جامعه زیر فشار فوق العاده زیادی قرار دارند. حجاب با زور به آنها تحمیل می شود. حجاب آنها را از جنب و جوش و حرکت آزادانه، بازی، شادی و لذت بردن از فعالیت‌های اجتماعی متناسب با سن و سال شان محروم می کند. مسئولین مدرسه با استفاده از جاسوسی و خبرچینی دختران را برای آرایش، صحبت کردن با پسران، داشتن عکس هنرپیشه ها و

غیره کنترل می کنند. حتی دانش آموزان را با ارباب و ادار می کنند که در مورد روش زندگی والدین خود و اینکه آیا مادرانشان قوانین و مقررات اسلامی را در خانه زیر پا می گذارند، برای آنها خبرچینی کنند. این یک سیستم انگیزاسیون در مدارس ایجاد کرده است. محیط و فضا، پر از کنترل و سرکوب است، سرکوب رفتار و ذهن و روح کودکان.

رابطه ایجاد کردن و دوستی بین پسران و دختران ممنوع است، گناه محسوب شده و قابل مجازات است. دختران زیر کنترل طاقت فرسایی هستند. خندیدن آنها، حرف زدنشان، راه رفتن و لباس پوشیدن و جنب و جوش شان بدقت مونیتر شده و کنترل میگردد. اگر حجاب آنها کاملاً مطابق موازین نباشد حتی در هنگام بازی، معلمین و مدیران مدرسه دختران را جسماً و روحاً تنبیه می کنند.

جشن تکلیفدر ایران سن قانونی ازدواج برای دختران بر اساس قرآن و سنت محمد، نه سال تعیین شده است. رسیدن دختران به این سن، یعنی نه ساله شدن آنها طبق قانون اسلامی جشن گرفته می شود چون آنها دیگر بالغ محسوب می شوند. مسئولین مدرسه این روز را با برپایی مراسم جشن می گیرند و آن را "جشن تکلیف" می خوانند. در این جشن، دختران نه ساله باید تمام بدن خود منهای صورتشان را با یک حجاب سفید بپوشانند. یک آخوند درباره نقش دختران در جامعه موعظه کرده و به آنها در باره فتنه (هرج و مرج) و فرهنگ غربی هشدار می دهد. او به دختران نه ساله یادآور می شود که مهمترین وظیفه آنها جلوگیری از فساد از طریق حجاب اسلامی است. از این روز به بعد، دختران از بازی با پسران غیر از برادران خود که محرم محسوب می شوند، منع می گردند. از این پس، دختران از بلند خندیدن منع می شوند. این دختر بچه های نه ساله باید با اجرای نمازهای پنجگانه انقیاد و فرودستی خود را به خدا بجا بیاورند. به آنها می گویند اگر حجاب شان درست

از صفحه 11

(( اما با حمله و تحریف و قدغن و ممنوع کردن ، نمیتوان دکتترین داروین و علم تکامل را نابود کرد ، چه این دکتترین روی پایه هائی علمی بنا شده است که نمیتوان آنها را انکار کرد ، داروینیسیم نوین و علم تکامل تحلیل کننده واقعی پدیده های دنیای جانداران است ، ضمن اینکه این دکتترین، آیات خدای موسی در تورات و خدای عیسی در انجیل و خدای محمد در قرآن در باره آفرینش و خلق آدم و حوا و خود این خالق را به زباله دان تاریخ بشری رهسپار کرده است ))



**خلقت انسان و موجودات در قرآن**  
متحدہ پس از محاکمہ جان اسکاپ در شہر دایتون رایج شد بیچارہ در سر کلاس گفتہ بود بدون توجہ بہ اصول داروینیسیم زیست شناسی در روزگار ما مفہومی ندارد .

مذہبیون و اربابان خرافہ برای حفظ سرمایہ در آمریکا ، سعی و تلاش و برنامه دارند تا از تدریس تئوری تکامل داروین در مدارس و دانشگاه ها جلوگیری کنند ، و یا سعی دارند بہ مسئولین آموزشی بقبولانند کہ در کنار تدریس و آموزش تکامل ( عقاید داروین و داروینیست های نوین ) بہ تدریس و آموزش بہ اصطلاح- آفرینش ہوشمند- نیز بپردازند ، کہ چیزی نیست جز همان اصول آفرینش و خلق آدم و حوای کتب مذہبی . و ہم اکنون نیز در سایہ حکومت سیاہ مذہبی اسلام سیاسی در ایران ، آموزش داروینیسیم و تکامل و منشاء حیوانی انسان ممنوع است و در کتابهای زیست شناسی و جانور شناسی این علوم فاقد ہستہ اصلی خود کہ همانا تکامل باشد می باشند . و اگر بحثی از انسان در میان باشد یا عقاید مذہبی خلق آدم و حوا بخورد دانش آموزان دادہ میشود و یا از انسانهای غار نشین بہ بعد مطلب می گویند و یا داروینیسیم را کہ بطور مسخ شدہ و تحریف شدہ ای نشان می دهند ، می کوبند .

محسوب بشود. آموزش اسلامی در ایران و سایر دولتهای اسلامی یک کودک آزاری سیستماتیک است. اجتماعی قدرتمند مدرن، سکولار جامعه موظف است از حقوق و برابری طلب قادر است بہ کودک آزاری دینی پایان بخشد. آموزش و پرورش اسلامی واقعا کودک آزاری سیستماتیک است. جدایی کامل مذہب از آموزش و پرورش، ممنوعیت تدریس موضوعات مذہبی و دگمها و تفسیرهای مذہبی از موضوعات درسی باید در مدارس و موسسات گشتہ اند.

جامعه موظف است کودکان و افراد زیر ۱۶ سال را از ہمہ نوع دست اندازی مادی و معنوی ادیان و نهادہای مذہبی حفظ کند. جامعہ باید آزادی مذہب و لامذہبی را تضمین کند، این بویژہ در جوامعی حیاتی است کہ در آنجا بہ کودکان می آموزند کہ یهودیان، بہائیان و سایر غیر مسلمانان و بی خدایان مجرم هستند و باید از حقوق انسانی محروم بشوند. جدائی کامل دین از دولت، کودکان را از دست اندازی ادیان حفظ می کند.

به اعتقاد من هر تلاش و مبارزه ای علیه این کودک آزاری در آموزش و مدارس، راهی جز درافتادن با اسلام سیاسی و اسلام در قدرت دولتی و مبارزه برای سکولاریسم ندارد. این پیش شرط برپایی یک جامعہ انسانی و آزاد و برگزار شد.

حجاب دختران زیر سن قانونی ۱۶

مویشان از زیر روسری و مقنعه سالکشیدن حجاب بر سر و بدن دختر بچہ ها و نوجوانان دختر تاثیر فوق العادہ مخربی بر زندگی و روح و ذہنشان دارد. حجاب کردن بر سر کودکان و نوجوانان دختر کہ بہ سن بلوغ قانونی در دنیای امروز یعنی ۱۶ سال نرسیدہ اند، باید قانونا منع شود چرا کہ این تحمیل پوشش پیروان یک سکت مذہبی خاص بہ کودک است. دفاع از حقوق مدنی کودکان ایجاب می کند کہ این تحمیل، قانونا منع شود.

کودک دین، سنت و تعصبی ندارد و بہ هیچ فرقہ و سکت دینی نیپوستہ است. جامعہ موظف است کہ شرایط زندگی و رشد سالم و برابری برای کودکان و شرکت فعال آنها در زندگی اجتماعی فراهم کند. قانون و برخورد جدی جامعہ باید با هر کس کہ بخواد مانع رشد و زندگی اجتماعی کودک بشود، مقابلہ نماید.

آموزش و پرورش سکولار حقوق کودکان باید در مقابل هر نوع دست اندازی و تعرض دین و فرقہ های دینی حفاظت شود. محروم کردن کودکان از حقوق مدنی و اجتماعی شان مانند آموزش سکولار، شرکت در فعالیتہای اجتماعی متناسب با سن خود و تفریح و سرگرمی باید جرم

مویشان از زیر روسری و مقنعه بیرون بیاید، در جہنم بہ سزای اعمال خود می رسند و هزاران مار بر پیشانی و سرشان خواهد روئید. در بارہ آموزش جنسی اصلا نمی توان حرفش را ہم زد چرا کہ صرف حرف زدن در بارہ مسائل جنسی یک جرم کبیرہ محسوب می شود. هر نوع رابطہ ای بین دختران و پسران منع است. در چنین محیطی این یک گناہ بزرگ است کہ در مورد اندامهای جنسی زن و مرد، کارکرد این اندامها و آموزش مسائل جنسی حرفی زد و اشارہ ای کرد. هر چیز مرتبط با رابطہ بین دو جنس مونث و مذکر سری، گناہ آمیز و پر از تحقیر تلقی می شود. کودکان بطور عادی مشتاق آموختن و تجربہ کردن هستند؛ می خواهند درباره جہان بدانند؛ در مورد بدن خود و فونکسیونهای آن بیاموزند. کنجکاوند بدانند کہ نوزاد از کجا آمدہ است و می خواهند درباره جنس مخالف خود بیشتر بدانند. ہمہ این کنجکاوئیہای نرمال و لازم با داستانهای ترسناک در مورد جہنم و شیطان پاسخ دادہ می شود. این سیستم فقط عقب ماندگی و ریاکاری ببار می آورد.



جاذبه گرانشی به تدریج بی نظمی هایی را در تراکم (چگالی) مواد

تشدید می کند. در نتیجه نواحی از فضا با تراکم بیشتر به وجود آمده امروزه ما این نواحی از فضا را کهکشان می نامیم.

### پیدایش اولین ستارگان:

اتمهای هیدروژن و هلیوم در مناطق موضعی با تراکم بیشتر متمرکز شده اند این جاذبه گرانشی است که سرانجام منجر به وجود آمدن مناطقی با تراکم شدید فشار زیاد و درجه حرارت بسیار زیاد می شود در نتیجه هسته اتمهای هیدروژن با همدیگر ترکیب می شوند. این باعث می شود که هیدروژن به هلیوم تبدیل شده و بخشی از جرم اولیه به انرژی تبدیل گردد. منظور از انرژی در اینجا گرما و نور می باشد. بدین گونه اولین ستارگان بوجود آمدند.

### پیدایش ارکانی از حیات:

اولین ستارگان هزاران مرتبه از خورشید ما سنگین تر هستند. طول عمر آنها نیز از خورشید کمتر می باشد زیرا هیدروژن خود را تنها در طی چندین میلیون سال مصرف می کنند. موقعی که ذخیره هیدروژن آنها تمام شود این اولین ستارگان در فرایند فروپاشی قرار می گیرند در نتیجه این فروپاشی واکنشهای هسته ای دیگری روی می دهد که باعث به وجود آمدن عناصر سنگین تر مانند کربن نیتروژن اکسیژن و ... می شود. لازم به یادآوری است که وجود این عناصر برای ادامه حیات لازم است و بدون آنها حیات موجودات زنده ممکن نیست. وجود این عناصر باعث انفجار ستارگان شده و سوپرنوا یا ابرنواختر به وجود می آورد. انفجار ستارگان همچنین ذرات سنگینی را که نامبرده شد به فضای کهکشانی پراکنده می کند.

### پیدایش دومین نسل از ستارگان:

امواج شوکی از سوپرنوا منجر به فروپاشی ابرهای مجاور که از گاز تشکیل شده اند می شود. ستارگانی مانند خورشید که از دومین نسل به وجود آمده ستارگان می باشد بدین ترتیب به وجود آمده اند. ستارگان به وجود آمده در مقایسه با نسل اول جرم کمتر و عمر بیشتری دارند (عمر آنها بیلیونها سال است در مقایسه با نسل اول که میلیونها سال عمر کردند) ستارگانی که امروز می بینیم همگی از این نسل هستند.

کهکشان ما راه شیری می باشد که احتمالاً از 400 بیلیون ستاره تشکیل شده است که به طور تقریبی 100 هزار سال نوری قطر دارد (1 سال نوری تقریباً برابر با 6 تریلیون مایل است) عقیده برخی بر آن است که کهکشان راه شیری در حدود 8 بیلیون سال پیش به وجود آمد در حالی که برخی دیگر تاریخ پیدایش آن را 14 بیلیون سال پیش می دانند. این کهکشان از مجموعه ای از کهکشانهای کوچکتر تشکیل شد.

خورشید: (یکی از ستارگان) 2 میلیون بار بزرگتر از زمین است و تقریباً در وسط کهکشان قرار دارد. خورشید هر 250 میلیون سال یک بار بدور مرکز کهکشان دور می زند.

کهکشانهای شامل چند بیلیون تا چند تریلیون ستاره می باشد. ساختار مارپیچی که در کهکشانهای زیادی یافت می شود به وسیله جاذبه گرانشی که مناطقی با تراکم زیاد را می سازند به وجود می آید. ستارگان به دور مرکز کهکشان می گردند اما این چرخش سریعتر از چرخش قسمتهای مارپیچی می باشد در نتیجه به داخل یا بیرون این مناطق که غلظت و تراکم بیشتری دارند متناوب عبور می کنند. چرا کهکشانهای همانند یک ورقه یا بشقاب هستند؟ شکل کهکشانهای که همانند دیسک یا بشقاب هستند به وسیله فعل و انفعال (کنش و واکنش)

2 نیرو به وجود می آیند:

جاذبه گرانشی مواد را در مرکز متمرکز می کند.

انرژی چرخشی (نیروی حرکتی) باعث می شود که ماده از محور حرکت دور شود.

خوشه های کهکشانی شامل چندین دو هزار جین کهکشان می باشد. این سوال مطرح می شود که آیا در سیاره های دیگر حیات وجود دارد؟ تاکنون علم به شواهدی در این زمینه دست نیافته است. برای جستجوی حیات در ماورای زمین در دهه های آینده علم به وسیله اسپتروسکوپی به دنبال اثری از حیات که همانا موادی مانند اکسیژن می باشد در اتمسفر سیارگان دیگر خواهد بود. بعضی از محققین بر این باورند که وجود حیات در ستارگان نزدیک به مرکز پر ازدحام کهکشان به دلیل تشعشعات بسیار زیاد و برخورد های ستاره های دنباله دار غیر محتمل است. همچنین محققین بر این باورند که حیات در ستارگان بسیار دور به دلیل کمیابی مواد سنگین (کربن نیتروژن و اکسیژن) غیر ممکن است.

### 4.5 بیلیون سال پیش:

پیدایش سیستم خورشیدی: محتمل این است که امواج شوکی از سوپرنواهای مجاور محرک آغاز فرایند فروپاشی گرانشی (بعضی از آن به عنوان چگالش یا تغلیظ نام می برند) باشند این فرایند باعث ایجاد سیستم خورشیدی از ابرهای گاز هیدروژن به نام نیولا (توده های عظیم گاز و گرما بین فواصل ستارگان) می شود. نیولا متشکل از عناصر سنگین که به جا مانده از انفجار سوپرنواها می باشد، است. با انقباض این نیولا ها، چرخشی به شکل دیسکی چرخشی به نظر می رسد (دلایل همانند دلایلی است که برای توضیح دیسک مانند بودن کهکشانهای آورده شدند). بیشترین تراکم جرم در مرکز بود که منجر به پیدایش خورشید گردید. خرده های باقی مانده هم به زمین و سایر سیاره ها تبدیل گشتند.

پیدایش ماه: زمانی که ریزه های باقی مانده به سیارگان تبدیل می شدند شینی به اندازه مریخ به زمین برخورد کرد. این شیء خودش در زمین فرو رفت اما بخشهایی از لایه های بیرونی زمین بخار شد و به فضا پس زده شد. قسمتی از این مواد پس زده شده بعداً به زمین برگشت در حالیکه باقیمانده مواد با همدیگر ترکیب شده و ماه را به وجود آوردند. سپس سطح زمین سرد گردید و ذرات زمین (مقدمتا آهن و مگنزیوم) متمایل به فرو رفتن به لایه های عمیق بودند در حالیکه ذرات سبکتر (مقدمتا اکسیژن و سیلیکون) به سوی سطح شناور گشتند. در بعضی جاها آنها یکپارچه و سفت شده و به پوسته زمین تبدیل شدند. این پوسته در مناطق اقیانوس به اندازه نصف دوجین و در مناطق قاره ای یک دو جین ضخامت دارد.

حرکت لایه های زیرین صخره های گداخته باعث راندگی مناطق شناور در بالا در طی چندین بیلیون سال آینده گردید.

همدیگر برخورد کرده و به طرف زیرین یکدیگر رانده می شوند.

### پیدایش رشته کوهها:

1) قسمت نازک پوسته زمین (بستر اقیانوس) که به زیر پایین قاره ها رانده می شود، ذوب شده و مانند حبابی بالا می آید و به سمت قسمت بالایی پوسته با فشار رانده می شود (پیدایش رشته اتشفشانهای ساحلی) و 2) بخشهای قاره ایی پوسته با همدیگر برخورد می کنند (پیدایش رشته کوههای هیمالیا)

## دین، خدا و حقیقت

می دهد؛ که اهدافش طبق مقاصد ما انسانها شکل گرفته؛ خدایی که بطور خلاصه انعکاسی از ضعف و ناتوانی ما انسانهاست. من همچنین نمی توانم باور کنم که انسان بعد از اینکه مرد، می تواند ورای جسم مادیش زنده بماند، هر چند که روح های ناتوان بدلیل ترس و جهل چنین افکاری را با خود حمل کنند! آ

### لبرت انشتین

دین، توهین به حرمت انسان است. با یا بدون آن، می توانیم مردمانی خوب یا بد داشته باشیم که کارهای خیر یا شر انجام می دهند. اما اگر انسانهای خوب کارهای شر انجام می دهند آن وقت حتما پای دین در

### میان است. اسیتون وینبرگ

کلیه حقایق بزرگ جهان در ابتدا کفر محسوب شده اند.

### جورج برنارد شا

تصور نکن که من برای اشاعه صلح به زمین پا گذاشته ام، من برای این ترس پدر خشونت و مادر دین است. بی جهت نیست که این دو در طول تاریخ دست در دست هم پیش رفته اند.

### برتراند راسل

یهودیان، مسلمانان و مسیحیان، همگی ابراهیم را بعنوان جد مشترک خود قبول دارند. فقط انسانهای متمدن اند که از داشتن کسی مانند او در خانواده خود شرم

### دارند. نیک کوهن

بقای همه ما در گرو درک این واقعیت است که نه دین و نه ناسیونالیسم هیچیک راه حلی برای انسانیت نیستند.

### پرویز هودبوی

مذهب خوب، مذهب در حال نزع و نزار است. فقط زمانی که مومنین ضعیف هستند، می توانند صلحجو و اهل تساهل باشند (تولرانس داشته

### باشند) پولی توین بی

تا زمانی که مردم به محمد معتقد باشند، به زندگیش بعنوان سرمشق بنگرند و به آموزشهایش عمل کنند، در جهان جنگ وجود خواهد

### داشت. عبدال مسیح

دین، دنیا را متقاعد کرد که موجودی نامرئی در آسمان وجود دارد که هر کاری که بشر انجام می دهد را می بیند. و ده چیز هست که خدا نمی خواهد شما انجام بدهید و اگر دادید تا ابد در دریایی از آتش سوزانده خواهید شد. اما خدا مهربان و رحیم است .....! او پول لازم دارد! او بسیار قدرتمند است ..... اما از پس پول بر نمی آید! **جورج کارلین**

کسی که انجیل را می خواند باید با دستکش آن را در دست بگیرد. چرا که مجاورت چنین کثافتی شما را ناچار به این کار می کند.

### فردریک نیچه

کارتل مواد مخدر مدی نین "اسکوبارها" و مثلث چینی و مافیای ایتالیا و آمریکا، انگشت کوچک ادیان سازمان یافته نمی شوند.

### منصور حکمت

دین، خودآگاهی انسانی است که هنوز خود را نیافته یا خود را باخته و از دست داده است. **کارل مارکس**

کشیش ها می گویند که آنها به مردم بخشیدن و خیریه را می آموزند. این طبیعی است. چون آنها از پول صدقه مردم زندگی می کنند. همه گداها می آموزند که مردم باید به آنها پول بدهند.

### رابرت اینگرسول

یک سرایدار مدرسه از هزاران کشیش مفیدتر است. **توماس پین**

نگاه کردن به دنیا از منظر ادیان، کور کردن چشم بصیرت است.

### بنجامین فرانکلین

انجیل و کلیسا بزرگترین موانع در راه آزادی زنان بوده اند. **الیزابت**

### کیدئ استانتون

من نمی توانم خدائی را تصور کنم که مخلوقات خود را پاداش یا کیفر

محیطی بسته به وجود آورد و از مواد اولیه ای مانند گازهای هیدروژن، نیتروژن، آمونیاک، متان و بخار آب استفاده کرد. وی برای شبیه سازی رعد و برق از جرعه اکتریکی استفاده کرد. پس از چند روز ترکیبات متعددی را در این دستگاه به وجود آمدند که مشتمل بر اسید های آمینه ساده مانند گلیسین و... بودند. استانی میسر نتیجه گرفت که الگوی سوپ بنیادین می تواند چگونگی تشکیل حیات را در زمین توضیح بدهد. اما ایراداتی بر این نظریه وارد است که منجر به اصلاح آن و تغییر نام آن به مدل حباب شد.

در این مدل گفته می شود که مواد تشکیل شده (اسیدهای آمینه) با هم واکنش کرده و پروتئین ها را به وجود آورده اند اما در آن زمان زمین فاقد لایه ی محافظتی اوزون بود و بنابراین اشعه ی ماورای بنفش می توانست همه ی مواد تولید شده و همچنین همه ی متان و آمونیاک موجود در جو را نابود کند.

### نظریه ی حباب برای توجیه حیات

مواد آلی به وجود آمده در حبابهای زیر دریا که حاصل فوران های آتش فشانی بود محبوس می شدند. سپس جریان آب این حبابها را به سطح آب می آورد و این حبابها ضمن ترکیدن و آزاد شدن از رعد و برق انرژی کافی برای سایر واکنش ها می گرفتند. این مواد پر انرژی با هم دیگر ترکیب شده و به زیر آب دریا می رفتند. به این ترتیب می توان گفت که بعد از پیدایش آمینو اسید ها حیات به واقع تشکیل شد.

### ادامه دارد

## تراکم سنگهای معدنی فلزی در رگ سنگها:

مواد معدنی یا لی داغ که به شکافهای سرد پوسته نفوذ می کنند باعث جدایی ذرات از همدیگر بر اساس درجه حرارتی که در آن کریستالیزه می شوند می گردد. این منجر به تغلیظ سنگهای معدنی در رگ سنگها می شود.

## پیدایش حیات در زمین

میلیون ها سال پیش زمین فاقد هر گونه حیات بود. بسیاری از زیست شناسان اعتقاد دارند حیات نخستین بار در اقیانوسها تشکیل شده است. برای توجیه این مطلب نظریه الگوی سوپ بنیادین ارایه شده است. بر اساس این نظریه به یک باره در اقیانوسهای زمین مقدار زیادی مواد آلی پدید آمده است. به عنوان مثال آمونیاک ( $NH_3$ )، متان ( $CH_4$ )، گازهای نیتروژن، هیدروژن و بخار آب. این گازها و مواد با هم در واکنش های شیمیایی ساده شرکت می کرده اند و مواد پیچیده تری به وجود می آورده اند. این واکنش های ساده شیمیایی به کمک انرژی رعد و برق و یا اشعه ی کیهانی انجام می شده است زیرا زمین در آن زمان لایه ی محافظ اوزون را نداشت و همه ی اشعه های فرابنفش و کیهانی مستقیماً به سطح زمین می رسید. موادی مانند سیانید ها و آلئیدها تشکیل شدند. این مواد که در مراحل بعد این واکنش ها منجر به تولید اسید های آمینه ایزومر (هم خانواده از نظر شیمیایی) میشدند و این اسید های آمینه، زمینه را برای سنتز پروتئین ها فراهم می کردند. برای آزمایش درستی الگوی سوپ بنیادین دانشمندی به نام استانی میسر در نیمه ی قرن بیستم این الگو را آزمایش نمود. او برای این منظور

از صفحه ۱

و دیگران رسیده است. در کتیبه سنگی مکشوفه (که در موزه بریتانیاست) درخت معرفت در وسط قرار گرفته و آدم و حوا در دو طرف آن بر روی چهار پایه نشسته اند و ماری که موجب گمراهی حوا شده و او را به خوردن میوه ترغیب کرده، در پشت سر حوا ایستاده است. یکی از افسانه های باستانی مصر می گوید که، در آغاز خدای خنوم به وسیله چرخ کوزه گری از گل مرد و زنی ساخت.

در تورات آمده که، اولین مرد (آدم) از گل و اولین زن (حوا) از دنده ی آدم به وسیله خدا بوجود آمدند، خداوند آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی او روح حیات دمید و آدم، نفس زنده شد. بنا بر نوشته تورات شیطان و مار دو نیروی مفسدی بودند که آدم و حوا را که، در عدن بودند اغوا کردند. در سفر پیدایش باب دوم آمده، خدا باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود و آن آدم که سرشته بود در آنجا گذاشت.

دانشمندان میگویند در این افسانه ها می توان تأثیر محیط اقتصادی و اجتماعی و طبیعی موجدین آنها را یافت، فی المثل در باره خلق انسان بدست آفریدگار از گل و خاک و دمیدن قسمتی از روح خود در او و جان جاویدان بخشیدن به او انعکاسی روشن از صنعت کوزه گری و مجسمه سازیست که این هردو در آشور، بابل، مصر و فلسطین آنروزگار رایج بوده، و در نتیجه به این افسانه ها شکل داده است.

این گونه طرزفکر در باره منشاء انسان، یعنی خلق معجزه آسای آدم و حوا در قرآن نیز منعکس شده است.

1- آیات مربوط به خلقت آدم و حوا و چگونگی پیدایش انسان در قرآن:

= سوره آل عمران آیه 58: مثل عیسی، مثل آدم است که خدا او را از خاک آفرید، آنگاه به او گفت باش پس موجود شد. - سوره اعراف آیه 12: شیطان گفت من بهتر از آدم هستم، مرا از آتش و او را از گل آفریده ای. - سوره الرحمن آیه 14: خدا انسان را از گل خشک مانند سفال آفرید - سوره حجر آیه 26: ما انسان را از گل سیاه عمل آمده خشک شده آفریده ایم. آیه 33: شیطان گفت من بشری که او را از گل سیاه عمل آمده خشک شده آفریده ای سحده نمی کنم. - سوره اسراء آیه 61: شیطان گفت آیا به کسی که او را از گل آفریده ای سحده کنم؟ - سوره کهف آیه 37: هم صحبت او به او گفت آیا به کسی که ترا از گل آفریده است کفر می ورزی؟ - سوره حج آیه 5: ما شما را از گل آفریدیم آنگاه از نطفه سپس از علقه و آنگاه از مضغه...-سوره مؤمنون آیه 12 تا 14: ما انسان را از گل صافی آفریده و آن را سپس به صورت نطفه در جایگاهی آرام قرار دادیم، آنگاه نطفه را به صورت علقه و علقه را به صورت استخوان آفریدیم و بعد بر استخوان گوشت...- سوره روم آیه 25: و از نشانه های خدا این است که شما را از خاک آفرید و سپس شما به صورت بشر در زمین پراکنده شدید. - سوره سحده آیه 7 و 8: و خدا آفرینش انسان را از گل آغاز کرد، سپس نسل او را از گل صافی از آب گندیده قرار داد و پس از آنکه او را شکل داد از روح خود در او دمید. - سوره صافات آیه 11: ما شما را از گل چسبنده آفریدیم. - سوره ص آیه 72: پس چون درست کردمش (از گل) و دمیدم در آن از روح پس بر وی درافتمد او را سحده کنندگان. آیه 75: خدا به ابلیس گفت چه چیز تر از سجده کردن به موجودی که من با دستم آن را آفریده ام باز میدارد؟ - سوره زمر آیه 75: گفت ای ابلیس چه بازداشت ترا از آنکه سجده کنی من آنچه را آفریدم به دو دستم. = سوره نساء آیه 1: ای مردم تقوای پروردگارتان را پیشه کنید که شما را از نفس واحد آفریده و همسر او را از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری به وجود آورد. - سوره اعراف آیه 189: اوست خدائی که شما را از

نفس واحد آفرید و جفت او را از او آفرید تا موجب آرامش او شود. - سوره قیامت آیه 39: سپس خدا انسان را جفت قرار داد که نر و ماده هستند. (از ذکر آیاتی که مشابه و تکراری است، می گذریم)

**2- معنی و مفهوم آیات:**

= خداوند اولین انسان را به نام آدم خلق کرده است، آدم قبل از این آفرینش چیزی نبوده و از موجود زنده دیگری تبدیل نشده و پدر و مادری نداشته. یعنی آدم اولین انسانی است که بر روی زمین پدیدار شده. آفرینش ابتدائی این آدم (نخستین بشر یا نفس واحد) که پدر همه انسانهاست از خاک، گل یا گل خشک سیاه یا گل چسبنده بوده. و بعد انسانهای بعدی را، از راه نطفه و علقه و مضغه (تولید مثل) می آفریند.

برای آفرینش آدم، خدا خاک (سرد شده ای) را با دستان خود (و نه اینکه توسط فرشتگان و یا به خودی خود و یا بصورت طبیعی و به مقتضای شرایط زمان و مکان باشد) با آب مخلوط ساخته گل درست کرده و این گل را مانند گل کوزه و سفال عمل آورده، و پس از اتمام و ساختن پیکر، از روح خود در او می دمید و موجود زنده ای بنام آدم را خلق می کند. و برای او جفت یا زوج (حوا) آفرید، آدم و حوا در بهشت ساکن شدند و بعد در اثر وسوسه شیطان و خوردن از میوه درخت ممنوعه از بهشت به زمین رانده میشوند.

= در مورد مفهوم و معنی آیات فوق، در خطبه اول علی امام شیعیان در نهج البلاغه چنین آمده است:

.. پس از جای سنگلاخ و جای هموار زمین و جایی که مستعد برای کشت و زرع بود و جای شوره زار، پاره خاکی را فراهم آورد آب بر آن ریخت تا خالص و پاکیزه شود و آنرا با آب آمیخت تا بهم چسبید، آنگاه از خاک آمیخته شده، شکلی را که دارای اطراف و اعضاء و پیوستگی ها و گسستهها بود بیا فرید، آنرا منجمد ساخت تا اجزاء آن از هم جدا نشود و محکم و نرم ساخت تا گل خشک شد، و فقط موجوداتی را

برای زمانی، پس آن گل خشک را با دمیدن روح خود جان داد، پس بر پا ایستاد و به صورت انسان در آمد که دارای نیروهائی برای درک و اندیشه و فهمیدن بود تا آنها را بکار بیاندازد و فکرهائی که در کارها تصرف کند و اعضائی که آنها را در خدمت خویش در آورد و آلات و ابزارهای که در کارهای آنها را به حرکت وادارد و نیروی شناخت و معرفتی که با آن حق و باطل را از همدیگر تمیز دهد....

= در ضمن بسیاری از ابزار و وسایل و پیشرفتهایی که انسان تا آن زمان در اثر تکامل اجتماعی و تاریخی و عملی و علمی اش بدست آورده، در قرآن به خدا نسبت داده شده از این قبیل که: ... کشتی برای انسان ساخت، زره و لباس ساخت، حیوانات اهلی را برای باربری و خوراک برایش فرستاد، بیان و تکلم به انسان آموخت و.... و در تمامی اینها خدای محمد خبر نداشته که انسان در طول تکامل تاریخی و اجتماعیش بمرور زمان تجربه اندوخته و با آگاهی بهتر و بیشتر از قبل و با تغییر وضعیت اقتصادی جامعه و با رویارویی با طبیعت و شناختی که از آن بدست آورده و عوامل دیگر، بشرفیت کرده و اختراع نموده نه اینکه خدا به انسان علم و پیشرفت و امکان و اختراع و اکتشاف را هدیه کرده باشد.

با توجه به آنچه در باره موجودات در قرآن آمده، قرآنی که به اصطلاح جهانی و خارج از محدوده زمان و مکان است متوجه می شویم که در مورد موجودات نیز همچون دیگر پدیده ها، فقط تا آنجایی اطلاع داشته و نام برده شده که در محدوده مکانی عربستان آن زمان و اطرافش بوده و از موجوداتی که در آن مکان نبوده اطلاعی نداشته، همچون هزاران موجود قطبی و مناطق سرد سیر و یا از موجودات ناشناخته آنروز که انسانها هنوز به وجودشان پی نبرده بودند مانند موجودات تک سلولی و میکروبها و غیره، خدای دانا هم، مانند انسانهای آن زمان بی اطلاع بوده و فقط موجوداتی را

دارد، قلب دو حفره دارد و همچنین شکل عمومی جنین، دم، شکافهای گوشکها و تار پشتی و مغز جنین نیز به ماهی شبیه است، انسان از مرحله دوزیستی نیز در جنین مشابهتهایی دارد مثلاً پرده شنواری بین انگشتان که در جنین مشهود است، وتر عضلات راست شکم در قسمت سفلی جدار شکم از زوحیاتین بارث رسیده، و بلاخره انسان از دوحیاتین بسیار قدیمی پلک سوم را بشکل تکمه اشکی (برجستگی قرمز در زاویه داخلی چشم) به ارث برده است، انسان از اجداد خزنده اش نیز خصوصیات را به ارث برده است که آنها را میتوان در جنین چند ماهه در رشد مغز و ساختمان و کیفیات اتصال دست و پا با بدن سهولت تشخیص داد، شباهت بسیار زیاد جنین انسان و مراحل پستانداری تکاملی انسان بسیارند از جمله: جنین 6 هفته ای انسان دارای چند جفت غده پستانی اولیه است که موقتاً در امتداد برآمدگی پستان مشاهده میگردد، کرکهای موئین کوتاه و نسبتاً ضخیمی همه بدن را بجز کف دستها و پاها می پوشاند، در جنین بین 6 تا 12 هفته ناحیه دنبالچه کاملاً مشخص میگردد و در آن انتهای یک ستون فقرات جنین با 8 یا 9 مهره دیده می شود که در اواخر این دوره بخش خارجی دم تقلیل می یابد و کوچک میشود، همچنین در بعضی انسانها علائم حیوانی بطور استثنائی باقی می ماند (اصطلاحاً به آن آتوایسم می گویند) که از اجدادمان به ارث رسیده مانند: انسانهایی که بدن آنها تماماً از موهای بلند پوشیده شده، گاهی در بعضی انسانها دم های مادر زاد پیدا می شود، گاهی ممکن است مردها یا زنهایی دارای پستانهای متعدد باشند، فقدان چین حلزون گوش در بعضی از جنین های انسان و تیزی نوک گوش که در بعضی افراد بالغ همچنان حفظ گردیده است، دو قلو یا چند قلو زائیدن که از مختصات حیوانی است، رشد زیاد عضلات گوش که انسان را قادر می سازد گوشهایش را تکان دهد،

پردازیم: دلائل دیرین شناسی: که به علوم زمین شناسی، سنگواره شناسی و باستانشناسی مربوط میشود و از جمله ها، ابزارهای خشن بسیار قدیمی و اجداد بلافصل انسان، میمونهای آدم نمایی فسیل شده و عقب تر میمونهای پست تر، لمرها، جنین داران پست تر، کیسه داران اولیه و... بحث میکند. دلائل دیرین شناسی تکامل به بررسی عمر زمین، مقیاس زمانی در زمین شناسی، تقسیم بندی دورانهای زمین شناسی، فسیل شناسی، اشیاء مخصوص به انسان و اجداد انسان در زیر خاک، و سه قسمت مهم و اساسی در مورد اجداد قدیمی انسان (میمونهای اولیه و میمونهای آدم نما و انسانهای نخستین تا انسان کنونی) و نیز مسئله چگونگی و عواملی که باعث شددرتغییر و تحول میمونهای آدم نما به انسان موثر افتد (همچون نقش کار، حرکت قائم، استعمال ابزار، دستها، نطق و بیان، اجتماع انسان، حرکت بر روی دو پا و استفاده از غذای گوشتی و اهمیت آتش و...) پرداخته و آنها را روشن می سازد. دلائل جنین شناسی: این دلایل روشن می سازند که جنین انسان در دوره 9 ماهه ای که از اولین روز عمر خود تا تولد میگذراند، تکامل تدریجی خود را با وجود کوتاه بودن این زمان تکرار میکند. یعنی، جریان تقسیم سلول در مراحل اولیه رشد جنین، به جریان موجودات تک یاخته ای که احتمالاً در دوره دوم دوران پیش از عهد اول از موجودات تک یاخته ای بوجود آمده اند شباهت دارد، در روزهای پنجم یا ششم تقسیم در ساختمان دستگاه عضلانی جنین انسان، مرحله شاخه ای از حیوانات پست که در مرحله ای از تکاملشان سلسله اعصاب متمرکز در تیره پشت دارند را نشان میدهد، جنین چند هفته ای انسان و سایر پستانداران در بعضی موارد بماهی شباهت دارد، یعنی شکافهای گوش ماهی در اطراف سرو گردن جنین ظاهر میشود، سازمان عروقی آن بدستگاه عروقی ماهی شباهت

= داروین پس از جمع بندی تحقیقات خود به این نتیجه رسید که تمام موجودات در اثر تکامل به یکدیگر مبدل میشوند، هیچ انفصال و گسستگی در زنجیر جانداران نیست و هیچ نوعی ناگهان و خلق الساعه آفریده نشده است. او در کتاب بنیاد انواع، به اثبات تکامل تاریخی دنیای جاندار و سیله تشریح مقایسه ای و اندامهای تحلیل رفته، دلائل جنین شناسی تکامل، دلائل سنگواره شناسی تکامل و... پرداخت. داروین خویشاوندی بین انواع را پذیرفت و قبول کرد پدیده تغییر و تحول موجودات روندی تاریخی است و از همین امر پی برد که مسیر تکامل از اشکال ساده به سمت پیچیده است. انواع دائماً بوجود می آیند و از بین میروند، اگر ما آنها را بی حرکت و عادی می بینیم بعلت کندی بسیار تغییر آنهاست، حیوانات و گیاهان امروزی دنباله انواع معدوم شده دیرین اند و خود روزی محو و یا تبدیل خواهند شد. (البته لازم به یاد آوری است که انسان علاوه بر تکامل بیولوژیکی که بسیار بطیء است و طی هزاران سال تغییر عمده ای نکرده، دارای حرکت تکاملی ویژه ای است بنام تکامل اجتماعی.) = داروین تمام افکار و اندیشه های کهنه در مورد زیست شناسی و ثبوت انواع را در هم کوبید و به هرگونه ادراک و تلقی ضد علمی از طبیعت خاتمه داد، انتخاب طبیعی نشان میدهد تنها ارگانیسمی موفق به ادامه زندگی خواهد شد که مشخصاتی داشته باشد که او را در نبرد زندگی یاری کند. هنگام تماشای طبیعت برای این همه چیز برایمان منطقی و معقول است که: طبیعت خود، موجودات نا کامل را معدوم میکند (چون نمی تواند با محیط سازش پیدا کند) و آنهایی را که برای زیستن مجهزتراند تقویت می نماید. 5- دلائل تکامل و بوجود آمدن انسان از عالم حیوانات: در اینجا به بررسی برخی دلایل تکامل که از سوی داروین و دانشمندان بعدی داروینیست و طرفدارن تکامل در دنیای جانداران اعلام شده می

مردم می شناختند مثل شتر و الاغ و اسب و زنبور عسل و... 3- مطابق آدم و حوا در قرآن با فیکسیسم: داستان خلق آدم و حوا در قرآن با نظریه غیر علمی ثبوت گرایی (فیکسیسم) یا اعتقاد به ماندن، بی حرکتی و عدم تغییر و تکامل در جانداران، مطابقت دارد. چنانکه دیدیم خدای محمد در قرآن (همچون خدای سایر ادیان و داستانهای اساطیری ملل قدیم) پیکر اولین انسان، آدم را با گل ساخت و از روح خود در او دمید تا بصورت بشری راست قامت، کامل، ناطق، دارای فهم، درک، شعور، احساس، اراده و اختیار درآمد. و بعد از همان جنس او، همسرش حوا را آفرید، تا به زاد و ولد و تکثیر نسل بپردازند. پس خداوند آن دو را با اعجاز خود، بناگاه بوجود آورد، یعنی خلق الصاعه. این طرز فکر در مورد آفرینش ظاهراً سایر انواع جانداران را نیز شامل میشود. نظریه مذهبی و ایده آلیستی ثبوت گرایی میگوید - جهان گیاهان و جانداران، جهانی است ساکن، راکد و بدون تغییر و تحول و حرکت، که از ابتدای آفرینش تا به امروز و تا زمانیکه خدا بخواهد ادامه دارد، هر نوع از انواع جانداران و گیاهان مستقل هستند و هیچ ارتباطی (از لحاظ جادشن و تکامل از همدیگر) با انواع دیگر ندارند. لازم به یاد آوری است که تا قبل از عقاید داروین سایه ما بعد الطبیعه و مذهب و داستانهای اساطیری خلق آدم و حوا در مقابله با دانش بیداد میکرد، نظریه تغییر ناپذیری طبیعت که پیش از داروین توسط اکثر مذاهب و اربابان مذهبی حمایت میشد، بر روی علوم زیستی قبل از داروین و تا حدی بعد از وی نیز انعکاسات بزرگی می یافت. و کسانی را که در باره تغییر، حرکت و تکامل در طبیعت صحبت می کردند به کفر و الحاد متهم می ساخت. 4- داروین و تکامل و ضربه ای که به ثبوت انواع زد:

### دلایل حاصل از طبقه بندی در مورد تکامل:

اگر گونه ها (انواع) به یکباره و به طور مشخص خلق شده بودند نام بردن و فهرست کردن آنها کار مشکلی نبود. ولی اینطور نیست زیرا گونه ها تغییراتی را نشان میدهند و اگر در محیط تازه ای قرار گیرند ممکن است تطابق یافته سر انجام به گونه دیگری تبدیل شوند. نمونه های آنرا می توان امروزه دید و به ویژه گونه هایی را که در محیط جغرافیائی وسیعی زندگی می کنند با این حال تشخیص بین گونه و واریته مشکل است. خانواده گربه زمانی از بیست جنس تشکیل می یافت در حالی که امروزه حاوی یک یا دو جنس است و...

دلایل حاصل از انتشار جغرافیائی در مورد تکامل:

داروین اطلاعات مربوط به انتشار جغرافیائی فسیلها و جانوران زنده مختلف را بهم مرتبط ساخت. او متوجه شد که چطور برخی جانوران خویشاوند با هزاران کیلومتر فاصله، کوه های مختلف یا عوامل طبیعی دیگر از یکدیگر جدا شده اند. انتشار نا همگون اشکالی که از یک خانواده هستند باید به هنگامی پیش آمده باشد که جانوران به محیط فعلی خود مهاجرت کرده و در این نواحی منقرض شده اند. گروه هایی که در سراسر زمین پخش شده و هیچ مانعی در راه انتشارشان وجود ندارد از نظر تعداد محدود هستند. مثلا برخی حشرات، خفاش و پرندگان که انتشار وسیعی دارند زیرا می توانند پرواز کنند.

### خلاصه ای از مراحل تشکیل حیات اولیه از نظر اپارین:

منشاء و تشکیل منظومه خورشیدی، تشکیل پوسته زمین، تکامل تدریجی اتمسفر و هیدروسفر که ضخامت جو تشکیل یافت، باریدن بارانهای اولیه همراه با متان و آمونیاک در اقیانوسها، تشکیل هیدروکربورها و مشتقاتشان هنگام به وجود آمدن زمین و آغاز موجودیت آن، تکامل بعدی مواد آلی، منشاء و تشکیل اسیدهای آمینه، قند، پورفیرین و نوکلئو تیدها شاید لا اقل یک میلیارد سال طول کشیده است تا اینکه از ترکیب نوکلئو تیدها با هم اسید نوکلئیک بوجود آید، سپس از ترکیب آن با پروتئین ها، نوکلئوپروتئین ها بوجود آمدند که می توانستند همانند خود را بسازند، نوکلئوپروتئین ها نیز توسط تنازع بقا، جهش و بقای اصلح توانستند تکامل یابند، در نتیجه رشد و تنوع نوکلئوپروتئینها حیات به مرحله ای حد واسط میان موجودات زنده و غیر زنده رسید، بعضی از نوکلئوپروتئین های اولیه دارای خاصیت چسبندگی و تولید توده های ملکولی شدند، این توده ها توانستند به نوبه خود قشری از مواد غذایی به دور خود جمع کنند، بر اثر چنین جهشهایی بود که شبه ویروس ها ایجاد شدند، شبه ویروسها توده ای از ملکولهای نوکلئو پروتئین بودند که در قشر نازکی از پروتئین محصور بودند، این مرحله هنوز مرحله ظهور جانداران حقیقی نبود بلکه حد واسط میان جانداران و مواد بی جان بود. پس از ایجاد و تشکیل شبه ویروسها به مرحله ایجاد یاخته میرسیم، در این مرحله است که مرز بین جاندار و بی جان از هم جدا میشود و یاخته تشکیل میگردد. پس از این مرحله نخستین موجودات زنده هتروترهای بی هوازی بودند سپس اشکال متابولیسیم گوناگون شد، واکنشهای فتو شیمیایی ایجاد شد، فتو سنتز، تا به مرحله منشاء تنفس می رسیم و بعد تکامل تدریجی ساختمان یاخته، مرحله یاخته های حیوانی و گیاهی و نقطه جدائی آنها .....

استحکام روز افزون وحدت ارگانیسیم و محیط، ایجاد افتراق و سازمان بندی در ارگانیسیم، جذب و دفع مواد، انتقال فعال موجود، تغذیه، نمو و رشد، حرکت، تحریک پذیری و فعالیت عصبی که حیات پس از طی این مراحل به سطحی پیچیده رسیده و موجودات متنوعی پس از طی میلیونها سال تکامل حیات تا پیدائی فعالیت عالی عصبی بوجود آمده بودند، مراحل بعد از تحریک پذیری اینچنین بوده اند: پیدا شدن و تکامل دستگاه اعصاب، با پیدائی دستگاه اعصاب مرکزی

بطنهای حنجره در قفسه سینه، آثاری از دندانهای اضافی و غیره، همچنین در بدن ما بعضی از بقایای حیوانی موجود است که بی کاره و عاقل مانده ولی اینها در بدن اجداد خیلی قدیمی ما کارهای معینی را انجام میدادند، مثل آپاندیس، گوشت سرخ درون چشم، عضله گوش، چروکهای سق کام دهان، دندانهای عقل، موهای اضافی بدن، عضلاتی که زیر پوست وجود دارند، مهره ی دم، ملاح و...

دلایل ایمنی شناسی، امراض مقایسه ای، انگل شناسی، همخوانی روانشناسی در باره تکامل انسان از علم حیوانات:

انگل شناسی جدید نشان داده که از 25 موجود تک یاخته (پروتوزوئر) که انگل میمونها هستند، 18 نوع آن در انسان نیز یافت میشود و حال آنکه وجود آنها را در سایر حیوانات ثبت نکرده اند. در مورد همخوانی، انسان با شپانزه همخوانی بسیار نزدیکی دارد، وقتی که خون اینها را به همدیگر منتقل می کنند تاثیر زهر آلودی نداشته و گلبولهای سرخ از هم جدا نمی شوند، ارگان خون در شپانزه و انسان مثل هم می باشد. در هردوی اینها چهار گروه خون وجود دارد. در مورد امراض، مرض میمونهای انسانی شکل شبیه به مرض انسانهاست. این میمونها نیز به سفلیس، مالاریا، گریپ، التهاب ریه مبتلا میشوند، حشرات و پارازیت هایی که در روی پوست و ارگانهای داخلی میمونهای انسانی شکل و انسان وجود دارند یکی می باشند، شپش، ساس و کنه در هردوی اینها وجود دارد. در میان کلیه حیوانات شپش انسانی فقط در میمونهای انسانی وجود دارد. نبض و حرارت بدن و تعداد تنفس میمونهای انسانی شکل نزدیک به انسان است. در مورد دلایل روانشناسی مقایسه ای، میمونهای انسانی شکل مانند انسان تاثیر درد را درک می کنند، مانند انسان رنج می کشند، غمگین می شوند، مسرور می شوند، عصبانی می شوند، کینه توز می گردند و می ترسند، مانند انسان تبسم نموده و می خندند ولی بی صدا، اینها نیز می گریند اما بدون اشک جاری از چشمها.

### دلایل تشریح مقایسه ای و فیزیولوژی مقایسه ای تکامل:

انگلس در آستانه انتشار کتاب داروین نوشته است - این امر کاملاً بدیهی است که علم وظایف الاعضای مقایسه ای، فرضیه ایده آلیستی تعالی انسان و اشرف مخلوقات بودن وی را سخت تحقیر و خوار می کند. هرکس در هر گام این اتحاد شکل ساختمان بدن را در سایر پستانداران نیز مشاهده می کند و رد پای این یکسان بودن شکل در سیماهای برجسته تر به مهره داران و حتی مهم تر به حشرات و سخت پوستان و غیره کشیده میشود.

اگر بدن خود را با یکی از پستانداران، مثلا آهو یا گرگ مقایسه کنیم می بینیم که در همه ما، بدن از سر شروع می شود که در میان آن مغز است، در صورت همه ما دو چشم، بینی، دهان و دندانها و زبان وجود دارند، گردن که بدن و سر را بهم ارتباط داده از هفت فقره یا مهره تشکیل شده، حتی در شترگردن دراز، در همه ما قفسه سینه وجود دارد، دو جفت بازو و ران با ساختمان و استخوان های تقریباً یکسان به اطراف متصل است، درون سینه همه ریه و در سمت چپ قلب قرار دارد، و خون سرخ در عروق همه جاریست و....

تشریح مقایسه ای نشان داده که اعضای بدن با نظم مشابهی قرار گرفته اند و رابطه آنها با اعضای مجاور همانند است. چنین شباهتی برای این وجود دارد که جانداران از اجداد مشترکی نتیجه شده و بر اثر تکامل تدریجی ساختمانی متفاوت از همدیگر پیدا کرده اند. برای مثال شکل ظاهری دست انسان که برای گرفتن اشیاء سازش یافته است با باله بالن که پستانداری شناگر است و بال خفاش که پستانداری پرنده است، تفاوت زیادی دارد ولی تشریح مقایسه ای نشان میدهد که همگی از روی طرح معین و مشترکی که به هم نزدیک بوده ایجاد شده اند.

بینی کرد. روحانی دیگری بنام سجویک نوشت که عقاید داروین اساس مذهب را رد میکند و انسانیت را به عقب می برد و مکارم و اخلاقیات را در دریای گمراهی و فساد غرق می کند. گلاخوف رهبر روحانی ارتودوکس نوشت، دو بینش روبروی هم ایستاده اند یکی فلسفه مسیحیت که از قلب سرچشمه می گیرد و دیگری فلسفه علم، داروینیسیم منکر آفرینش جهان بزعم تورات است، نجات بخشی عیسی را قبول ندارد و شباهت خدا و آدمی را رد میکند پس آشتی بین آن دو محال است. و بعضی میگویند قبول اصل موهن و خفت آور منشاء حیوانی برای انسان چیزی جز نفی روح خدائی و جاودانی نیست. بطور کلی مخالفین داروینیسیم و تغییر انواع در برابر تمامی شواهد غیر قابل انکار وحدت منشاء انسان و حیوان خود را به نفهمی میزنند و هرگاه مجبور می شوند از شواهد و دلایل تکامل نام ببرند می کوشند حتی الامکان آنها را مسخ کنند و حقایق آشکار را وارانه جلوه دهند.

2- روحانیون مسلمان و اربابان مذهب و سرمایه که اسیر دگمهای قرآنشان هستند و یا بنا بر مصالحی نمی خواهند حقیقت را قبول کنند و یا درک آنرا ندارند، همواره می کوشند تا تکامل جانداران و منشاء حیوانی انسان را رد کرده و یا حداقل آنرا در حد یک فرضیه اثبات نشده جلوه دهند و به دلایلی که بر تکامل دلالت دارد توجهی نکرده و آنها را مسخ نمایند. برای مثال در کتاب نظریه تکامل از دیدگاه قرآن نوشته مهاجری آمده که (حتی اگر این قانون تکامل موجودات و انسان و تغییر انواع به صورت کلی و عام ثابت شود، در عین حال می توان گفت انسان استثنائاً بگونه دیگری آفریده شده و مشمول این قانون نمی باشد) در کتب درسی ایران اسلامی برای جوانان سال آخر دبیرستانی نوشته اند که (قرآن صراحتاً خلقت انسان نخستین را از گلی سفال گونه میداند و برای او سابقه ای به عنوان موجودی نشأت گرفته از موجود زنده دیگر قائل نیست و از تبدیل انواع به وجود نیامده است. این نظریه تکامل تدریجی موجودات و انسان از موجودات پست تر تا امروز از جهت علمی ثابت نشده و هنوز بیش از یک فرضیه نیست و هرگز نباید آنرا یک اصل قطعی پنداشت. حال اگر فرض کنیم که نظریه مزبور صحیح باشد با توجه به آیات قرآنی- که بشر از خاک و گل آفریده شده... باید اظهار کرد که در چنان قانونی حد اقل یک استثناء وجود دارد و آن وجود انسان است.) این برداشت که انسان را باید در این قانون استثناء دانست همانند برداشتی است که پاپ دوازدهم رهبر کاتولیکهای مسیحی اعلام داشته، وی با توجه به اینکه شواهد علمی و مسلم امروزی بحدی است که دیگر نمیتوان داروینیسیم را رد کرد، سخن از تکامل از نظر عیسویت گفت و اعلام کرد (اصول تکاملی بخودی خود ضد کاتولیکی نیست بشرطی که قبول کنیم نوع انسان از آدم و حوا پدید آمده است یعنی یک استثناء است.)

3- جای تعجب است که این هر دو دسته نمی دانند و یا نمی خواهند بدانند که بحث اصلی تکامل چیست، چه بحث اصلی تکامل اینست که نه آدم و نه خرگوش و نه شیر و... هیچکدام یکمرتبه و خلق الساعه خلق و ساخته نشده اند و تمامی موجوداتی را که امروز می بینیم از جمله انسان در طی میلیونها سال تکامل یعنی از پیدایش حیات اولیه تا به امروز در اثر تکامل تاریخی و تدریجی از یکدیگر منشاء دارند و هیچ نوعی یکمرتبه بوجود نیامده است. و این قانونی است عام و محال است که فرض شود در این مورد استثنائی وجود داشته باشد.

4- دسته دیگری از روحانیون که به واقعیت تکامل پی برده و جرأت انکار آنرا ندارند تفسیرات دیگری در این باب دارند از جمله بعضی میگویند ورشکستگی نظریه فیکسیسم در قبال ترانسفورمیسم (تغییر و تبدیل انواع) دلیل ورشکستگی کلیسا نیست و اعلام میکردند، محتویات دکتربین داروین ابداً جنبه ضد مسیحیت ندارد.

همچنانکه برخی از مفسران به اصطلاح روشنفکر اسلامی سعی کرده اند آیات قرآنی را بر تئوری ترانسفورمیسم حمل نمایند، ←

تکامل دستگاه مرکزی اعصاب، انعکاس های شرطی و بالاخره در آخر این تکامل به فعالیت عالی عصبی نزد انسان می رسیم. بنا بر آنچه گذشت منشاء حیات پروسه ای تدریجی بود. پروسه ای که در آن مواد آلی پیوسته و پیچیده تر شدند و سیستمهای کاملی تشکیل دادند که در حالت تأثیر متقابل دائمی با محیط زیست پیرامون خود بودند. بدین سان با دنبال نمودن مسیر جریان پدید آمدن حیات، به دست آفریننده توانا یعنی خدا بر نمی خوریم.

لازم به توضیح است که زیست شناسی و زنتیک تکاملی، دلایل بسیاری در مورد تکامل دنیای جانداران مطرح و اثبات کرده اند که از حوصله این نوشته خارج است و از آنها می گذریم.

## 6- نتیجه بدست آمده در مورد منشاء انسان از نظر علمی و کودکانه بودن خلق آدم و حوا از گل وسیله خدا:

مشاهده بقایای حیوانی در بدن انسان و تکامل نطفه انسانی در بطن مادر (جنین شناسی) و بتدریج بصورت انسان در آمدن آن، آزمایشهای انتقال خون بر روی میمونهای انسانی شکل امروزی که از اقوام بسیار نزدیک انسان هستند و آنچه از دلایلی که در بالا دیدیم، صریحاً میسرسانند که انسان از عالم حیوانات بوجود آمده و در عرض میلیونها سال تغییر یافته و مالک ساختمان بدن امروزی گردیده است. و بهیچ وجه توسط دستهای خدا از گل، آدم و حوایی پدید نیامده است و این مسئله جزو اساطیر و خرافات دینی است که علم آنرا قبول ندارد و باید به فراموشی سپرده شود = اگر بقایا و فسیلهای پیدا شده از زیر طبقات زمین مربوط به انسان و اجداد آن میمونهای انسانی شکل قدیم، میمون انسان، انسان چین، انسان نوین (کرومانیون) و انسان کنونی را مورد دقت و بررسی قرار دهیم بطور وضوح مسلم خواهد گردید که تمام اعضاء و خواص روحی انسانی از ساده به کامل و از بسیط به مرکب تکامل می یابد. علم ثابت می کند که در عرض میلیونها سال از یک دسته میمونهای انسانی شکل قدیم (دری اوی تک) میمونهای انسانی شکل امروزی (شمپانزه و گوریل) و انسان بوجود آمده اند. علت اساسی که در تبدیل میمون انسان به انسان نقش موثری داشته همانطور که قبلاً ذکر شد، توسط فیلسوف و طبیعی دان بزرگ انگلس در کتاب خود موسوم به ((نقش زحمت در جریان تبدیل میمون به انسان)) نشان داده و ثابت می کند که انسان از عالم حیوانات مشتق شده و زحمت و کار است که نقش موثر و قطعی بازی کرده است به همراه وضعیت قائم و حرکت بر روی دو پا و....

= بنابراین از آنچه در مورد خلق آدم و حوا یعنی نخستین انسانهای روی زمین به زعم قرآن وسیله خدای محمد دیدیم متوجه می شویم که قرآن هیچگونه سازشی با تکامل ندارد، یعنی بهتر بگوئیم اصلاً هیچ مطلبی در باره تکامل موجودات و منشاء حیوانی انسان نمی دانسته که بگوید. آیا اینگونه افکار و آیات در باره پیدایش انسان از جانب خدای به اصطلاح دانا و آگاه و صاحب علم و دارای آنهمه صفات کمالیه در تضاد نیست؟ از آن خدای دانا بعید نیست که چرا اینگونه غیر علمی و کودکانه سخن گفته؟ از محمد چندان انتظاری نداریم چون او محدود در زمان و مکان بوده و نمی توانسته از علوم امروزی و از گسترش علوم طبیعی و زیست شناسی و تکامل اطلاع داشته باشد و حق داشته که همان اساطیر و خرافات غیر علمی را در مورد خلق آدم و حوا که از گذشتگان بدست آورده بوده بگوید و آیه صادر کند. اما خدای دانا که به اصطلاح محدود در زمان و مکان نبوده چرا از تکامل و منشاء انسان خبر نداشته؟؟

## 7- جنگ و جدال مسیحی و مسلمان با طرفداران تکامل و منشاء غیر خدائی انسان:

1 - خود داروین وسیله کشیشی بنام ویلبرفورس که در راس هیئت روحانیون انگلستان بود به کفر و الحاد متهم شد و کشیشی بنام دافیلد سرنوشت داروین و یارانش را در آن دنیا به اصطلاح در جهنم پیش

نشان داده است که شعور ملحق به ماده بوده و جز بدنبال یک سلسله کنش و واکنشهای تکاملی دنیای جاندار ظاهر نخواهد شد. موجودات اولیه از آن محروم بوده اند، فقط قابلیت تحریک موجب میشد در برابر عوامل محرک محیطی واکنش نشان دهند. کم کم خصوصیات احساسی و اشکال عالی عکس العمل نسبت به محیط توسط ارگانیسم ظاهر گشت این خاصیت تدریجاً با تکامل سیستم اعصاب و تکمیل سایر بخشهای ارگانیسم جای خود را به شعور داد.

آدمی با سایر جانوران دارای اختلافات کیفی است، نه بخاطر اینکه روح خدایی در اوست (روحی جدا از تن و مستقل از آن) بلکه این اختلاف ناشی از قدرت کار کردن است. این فقط کار است که از میمونهای آدم نما مخلوقی بنام آدم بوجود آورده است. ساختن و مصرف ابزار، انسان ما قبل تاریخ را عوض کرد طبایع روحی او را مستغنی گردانید و موجب ظهور تکلم شد. از طرف دیگر بین مردمان جامعه روابط تولیدی بوجود آمد. پیدایش تکلم موجب پیدایش موج تکامل دیگری در شعور آدمی شد. چه بکمک اتصال هجاها و کلمات یعنی سیستم ثانوی علامات رفلکسهای مشروط، اندیشه و عضو مولد آن یعنی مغز بیشتر به کمال نزدیک شد.

مسیر تکاملی که با مطالعه در ساختمان و اعمال و تکامل مغز انسان پیموده میشود، این نظریه مذهبی را که مدعی است روح جزئی از خالق است و بعنوان همزاد جاویدان ماده، جسم را در اختیار دارد بکلی رد می کند. وجود مراکز خاص برای اعمال و وظایف بدن در مغز، نشان میدهد که تمام کیفیات روحی به عمل طبیعی قسمتهای سالم مغز و بطور کلی به تمام سازمان آن بستگی دارد.

= بنا براین روح سرچشمه زندگی نیست، جرقه لاهوتی در وجود انسان نیست، چنان نیست که روح در وقت تولد داخل بدن شود و پس از مرگ آنرا ترک کند و به آسمان برود، معنای روح از نظر علمی یعنی فعالیت شعور و مغز انسانی یعنی فکر، احساس، اراده، تصورات، نظریات و... که جدا و مستقل از بدن و ماده نیستند، بدون وجود مستعدی برای حس کردن، احساساتی وجود ندارد، بدون انسان متمایل، تمایلی در کار نیست، اراده قائم به وجود اراده کننده است، یعنی بدون انسان و مغزش و محیط اطرافش روحی وجود ندارد. جایی که مغز نباشد شعور و روحی وجود ندارد، مختل شدن فعالیت عادی مغز، آسیب دیدن مغز بر اثر بیماری، تحمل ضربه سنگین یا علل دیگر فعالیت فکری و روحی انسان را بهم میزند و به اختلال مشاعر می انجامد، پس فعالیت روحی، روانی ثمره فعالیت فیزیولوژیکی بخش معینی از مغز است، نه به علت روح خدائی دمیده شده در انسان وسیله خدا.

8- در پایان: هنوز جدال بر سر داروینیسیم خلاقه و تکامل دنیای زنده و منشاء حیوانی انسان از سوی مرتجعین مذهبی و سرمایه که اسیر دگمهای کتب مذهبی هستند دنبال میشود. برای مثال به جدال با داروینیسیم در آمریکا اشاره ای می کنیم: رهبری جنبش ضد داروین در آمریکا بعد از بریان، منشی کاخ سفید در زمان ویلسون بود. او میگفت (این عقاید آدمی را به الحاد می کشاند، تئوری تکاملی تمدن بشری را تهدید می کند و برای مذهب خطر کمتری از آن نیست. ایمان پایه زندگی اجتماعی است، نیروهائی که زندگی را گرم کرده و کنترل می کنند از آن سرچشمه می گیرند. هرچه ایمان را تضعیف کند، آینده بشریت را در معرض خطر قرار میدهد) کوششهای بریان بکمک پاره ای محافل سیاسی، اقتصادی و مذهبی منجر به غیر قانونی شناختن آموزش داروینیسیم در مدارس و دانشگاه های بعضی ایالات آمریکا گردید. مثلاً قانون ایالتی تنسی می گوید: تدریس نظریه ایکه منشاء انسان را به حیوانات میرساند و منکر آفرینش انسان طبق گفته تورات میگردد در تمام دانشگاه ها و مدارس ملی و دولتی اکیدا غیر قانونی است. ممنوعیت آموزش داروینیسیم در مدارس و دانشگاه

از آیات قرآنی برداشت و تفاسیری دور از حقیقت دارند که به هیچ وجه با بیان بسیار روشن قرآن در باب آفرینش و خلق آدم و حوا از خاک و گل مطابقت نداشته و قابل تفسیر و تأویل نمی باشد.

این روشنفکران نظیر دکتر سبحانی، شریعتی و جریانهای سیاسی مذهبی به اصطلاح مترقی می گویند، قرآن نظریه تکامل را تأیید می کند و بدون توجه به کلمات و معنای آیات، معنای دلخواهی از آن استنباط کرده و تفسیراتی غیر واقع برای آن می سازند تا به نتیجه مطلوب خود که مطابقت آیات با تکامل و نجات قرآن و محمد و خدایشان باشد برسند.

5- روح خدائی انسان! مفسران روشنفکر اسلامی! همچون دیگر مذهبیبون و آخوندهای قشری نمی توانند از روح خدائی انسان سخن نگویند. در اینجا دیگر به علوم و مطالعات دانشمندان در خصوص ماهیت روح (مغز و شعور و...) انسان و تکامل آن کاری ندارند و می گویند که انسان با این جسم حیوانی تکامل یافته دارای روحی خدائیسست که او را از حیوانها متمایز کرده و از این جهت انسان موجودی است شبیه خدا و...

این بینش غیر علمی در دایره المعارف امریکانا نیز چنین منعکس است: آدمی توسط آفریدگار خلق شده و در او روح خدائی با جسم حیوانی پیوند گرفت و همین روح است که او را بخدا شبیه می کند. و به همین گونه مسلمانان نیز می گویند که انسان بعد الهی و ماوراءطبیعی دارد و جهانی دیگر وجود دارد که زندگی واقعی مربوط به آن است یعنی پس از مرگ روح او باقی می ماند و دارای حیات ابدی و جاودانی است. و یا می گویند حقیقت انسان و یا خود واقعی انسان لمعه ای از ملکوت الهی است و تمام ارزشها و کمالات روحی نیز ریشه در همین خود واقعی دارد یعنی انسانها دارای فطرت اصیل الهی می باشند.

و یا بعضی روحانیون (چه مسیحی و چه مسلمان) می گویند: گرچه آدمی از لحاظ جسمی زائیده پدیده های طبیعی است از لحاظ کیفیت مخلوقی است مافوق طبیعت، به این ترتیب گمان می کردند اصالت خدائی منشاء آدمی را از به اصطلاح خطر بد نامی نجات داده اند بعضی از اینها بدون انکار مشابهتهای تکاملی انسان و حیوان اظهار میداشتند که اینها فی الجمله جنبه ثانوی دارند و روح خلاصه و اصل و ابتداست. و برای دست یافتن به جوهر اصلی انسان باید از روانشناسی آدمی آغاز به تحقیق کرد نه از جانور شناسی زیرا روانشناسی نشان خواهد داد که بین روان آدمی و جانور هیچ وجه اشتراکی نیست، لذا انسان موجودی خارق العاده است. و بر رسی مسئله منشاء انسان به هیچ وجه در صلاحیت زیست شناسی و جانور شناسی نمی باشد و اضافه میکنند چون روح انسان و حیوان وجه مشترکی ندارند، لذا روح انسان نمی تواند از طریق تکامل طبیعی حاصل شده باشد و از این استدلال نتیجه می گرفتند که آدمی مشتق از سلسله جانوران نیست. بنا براین مخالفین داروینیسیم و تکامل می کوشند حال که موفق نشدند تکامل را منکر شوند، روح و جسم آدمی را بهر ترتیب که شده دو عنصر جدا از هم و مستقل از یکدیگر معرفی کنند. از نظر مخالفین داروینیسیم و تکامل، شعور (احساسات، تفکرات، اراده و غیره) از تظاهرات روح جاوید ازلی است که تا دم مرگ در کالبد به امانت گذارده اند.

6- روح واقعی و مادی انسان: مطالعات پاولف و سچنف اثبات نمودند که شعور محصول مغز است و امروزه مسلم است که شعور چیزی جز انعکاس تأثرات دنیای اطراف روی جاندار نمی باشد. بنا براین احساسات، اندیشه ها، تمایلات و اراده و... بدون ماده (ارگانیسمی که بطور طبیعی کار می کند) وجود نخواهد داشت، شعور بطور انفکاک نا پذیری به ماده وابسته است، توسط ماده می تراود و بطور خلاصه محصول تکامل ماده است. مطالعه در سیستم اعصاب نزد حیوانات

## تعقیب و آزار به اتهام جادوگری در اروپای ۱۷۵۰-۱۴۵۰ و امروز

تحقیق و تالیف: آدام جونز

ترجمه و تلخیص: اعظم کم گویان

نبودند معهدا کاتز معتقد است که تعقیب و اذیت متهمین به جادوگری و جادوگران نمونه روشنی از "کشتار و قتل عام جنسیتی" بوده است. (همانجا ص 503)

کاتز می افزاید: "کل شواهد و مدارک موجود صاف و روشن نشان می دهد که رشد ترس و پانیک در جنون ساحرگی و جادوگری از انگشت نما کردن و مورد تهدید قرار دادن زنان غیر قابل تفکیک بوده ... تاریخا اعتقاد به قدرت زنان و شیطان نهفته در وجود آنان با ساحرگی و جادوگری آنها یکی گرفته می شده است. گرچه مردان هم جادوگر بودند - وقتی که جنون ضد جادوگری شتاب گرفت و پس از سال 1500 یک پدیده عمومی و همه گیر شد اولین هدف حمله و اولین قربانیان آن - زنان جادوگر و متهم به جادوگری بودند. در واقع می توان قویا گمان کرد که تبدیل شدن تعقیب جادوگران به یک هیستری عمومی زمانی مقدور شد که زنان را مستقیما هدف خود قرار داد. (همانجا ص 433 و 436) کاتز عمق این زن ستیزی را از طریق مقایسه آن با آنتی سمیتیزم (ضد یهودی گری) نشان می دهد:

درک و برداشت قرون وسطایی از زنان با برداشت قرون وسطایی از یهودیان مشابهت های زیادی دارد. در هر دو مورد نسبت دادن دیرپای قدرت فراوان سری و مضر به زنان و یهودیان وجود دارد. زنان را جادوگر می خواندند چون ترس دیرپایی داشتند از قدرت کنترل آنان بر مردان و جامعه مردسالار مسیحی. زنان را منشا و سرچشمه قدرتهای مخرب و منفی برای مردان و جامعه تلقی می کردند. زنان مانند یهودیان از "چپ" یا از طرف نحس آدم متولد شده اند.

ادامه دارد



قتل عام جنسیتی  
آزار و تعقیب جادوگران بمدت سه قرن عروج و افول داشت و در طول سه قرت دارای افت و خیز بود. "نرخ تعقیب و آزار جادوگران بسیار متفاوت بود از جایی مانند آلمان با بالا ترین میزان یعنی 26 هزار مرگ تا در ایرلند با 4 مورد" (گیبونز کتاب تحولات اخیر ...)

علیرغم دست اندر کار بودن مراجع کلیسایی در تعقیب و آزارهای بیرحمانه - بخش اعظم ساحرگان و متهمین به جادوگری توسط دادگاههای غیر مذهبی محکوم می شدند" دادگاههای محلی ای با همان حرارت و تعصب شدید در تعقیب و آزار متهمین به جادوگری و ساحرگی" (گیبونز همانجا) روش استاندارد محاکمه جادوگران در بسیاری از کشورها تشکیل تریبونالهای تحقیق در مورد متهم و بازجویی کردن آنها بود و در برخی نقاط اروپا (انگلستان) شکنجه بندرت بکار برده می شد اما در مناطقی که تعقیب جادوگران شدیدتر بود - شکنجه بخش استانداردی در بازجویی ها بود. روشن است که تعداد زیادی از متهمین که به جادوگری "اعتراف می کردند" تحت شکنجه های شدید و بیرحمانه ناچار به این "اعتراف" شده بودند. حدود نیمی از جادوگران به کمتر از اعدام محکوم می شدند. نیمه بدبخت و بدشانس دیگر عموما در ملاعام بطور دسته جمعی روی آتش سوزانده و یا به دار آویخته می شدند.

زن بودن تضمین می کرد که متهم حتما مورد سو ظن و اتهام قرار بگیرد. همانطور که استیون کاتز می گوید: "داده های آماری روشن می کند که بیش از 99/9 درصد زنانی که طی این سه قرن از تعقیب و آزار جادوگران زندگی می کردند مستقیما توسط نیروی پلیس دولت یا پلیس کلیسا مورد آزار قرار نگرفتند اما نخبگانی که در راس دولت و کلیسا قرار داشتند در صورتی که می خواستند - بخوبی زنان را مورد اذیت و شکنجه قرار می دادند. (کاتز هالاکاست در متن شماره 1 صفحه 503) کلیه متهمین به جادوگری زن

سیری صعودی یافت. آنچه که ما بعنوان "زمان سوزاندن" می شناسیم پانیک ها و جنونها و هیستری عمومی در جامعه - اساسا در یک قرن یعنی از 1650-1550 اتفاق افتادند. در قرن 17 تعقیب وسیع جادوگران سریعا پایان یافت. محاکمه ها پس از 1650 روبه افول گذاشت و تا آخر قرن 18 کاملا ناپدید شده و رخت بر بستند. (گیبونز: تحولات اخیر در مطالعه جادوگری در اروپا)

اشاره گیبونز به رفورماسیون به ما خاطر نشان می کند که تلاقی مابین کاتولیسیسم دستگاهی و نهادی و پروتستانیسم - در زوال ثبات جهان بینی که تا آن زمان حاکم بود - نقش داشت و نهایتا منجر به پانیک و سو ظن و عدم اطمینان شدیدی از جانب مراجع هم کاتولیک و هم پروتستان گردید. ناکمن بن یهودا می نویسد: "این به ما کمک می کند که درک کنیم چرا فقط کشورهایی که سریعا در حال توسعه و تغییر بودند - جایی که کلیسای کاتولیک ضعیف ترین بود - دچار جنون مرگبار تعقیب ساحرگی و جادوگری شدند. (مانند آلمان و فرانسه و سوئیس). در کشورهایی که کلیسای کاتولیک قوی بود (اسپانیا ایتالیا و پرتغال) بندرت جنون ضد جادوگری بوقوع پیوست... رفورماسیون بطور قطع اولین مقطعی بود که کلیسا را ناچار کرد که در مقیاسی وسیع با تهدیدی که علیه موقعیت و مشروعیتش روی داده بود - دست و پنجه نرم کند. اما بن یهودا اضافه می کند که: "پروتستانها با همان حرارت کاتولیک ها جادوگران و متهمان به جادوگری را مورد آزار و تعقیب قرار می دادند... هم پروتستانها و هم کاتولیک ها بدلیل احساس ترس و خطر دست به این تعقیب و آزار گستره می زدند." قابل توجه است که اوج و شدت جادوگری با پایان یافتن جنگهای سی ساله (صلح وستفالی 1648) رو به کاهش گذاشت. پایان جنگهای سی ساله به پلورالیسم مذهبی و دینی رسمیت و مشروعیت داد. (بن یهودا - جنون ضد جادوگری در اروپای قرون 14-17: یک دیدگاه جامعه شناسانه - زورنال جامعه شناسی آمریکا شماره 86 ژوئیه 1980 صفحات 15 و 23)

قسمت اول  
خلاصه: بمدت سه قرن از ابتدای تاریخ مدرن اروپا قلب جوامع گوناگون این قاره را ترس و هراسی از باصطلاح جادوگران و ساحره ها فرا گرفته بود. تعقیب و دستگیری جادوگران بخصوص در اروپای مرکزی منجر به محاکمه شکنجه و اعدام دهها هزار انسان که قربانی این مساله شدند - گردید. سه چهارم این قربانیان زن بودند. نه قبل و نه پس از آن زمان زنان اروپایی چنین هدفمند در معرض آزار و کشتاری اینگونه وسیع قرار نگرفته بودند.

زمینه ها: تعقیب جادوگران در اوایل تاریخ مدرن اروپا در مقابل تحولات سریع اجتماعی اقتصادی و مذهبی بوقوع پیوست. همانطور که در مطالعه موارد تعقیب و محاکمه ساحره ها در تاریخ مدرن امروز خواهیم دید این فضا که مشتمل بر رواج بیماریهای ایبیدمیک و بلاهای طبیعی بود تقریبا همیشه در محور هر نوع ترس و هیستری عمومی قرار دارند. تحلیل جنی گیبونز تعقیب جادوگران را با سایر پانیک ها و ترس های اوایل تاریخ مدرن اروپا به هم مربوط و با هم مورد مطالعه قرار می دهد.

روش برخورد سنتی (و تولرانت) به جادوگری و ساحرگی در قرن 14 و با پایان قرون وسطی شروع به تغییر کرد. اروپا در ابتدای قرن 14 زیر سبطره و فشار موجی از شایعه - ترس قرار داشت. باصطلاح توطئه های بدخیمانه (یهودیان جذامیان مسلمانان و یهودیان و جادوگران) در تلاش بودند تا امپراطوری مسیحیت را از طریق جادوگری و مسموم کردن نابود کنند. پس از مصیبت و بدبختی ناشی از مرگ سیاه (طاعون غده ای) (1347-1349) این شایعات بشدت گسترده شده و بر جادوگران و "پخش کنندگان طاعون" متمرکز شد. موارد جادوگری بتدریج اما مستمرا طی قرون 14-15 افزایش یافت و اولین محاکمه وسیع در قرن 15 برپا شد. در آغاز قرن 16 با اولین موج تکان ناشی از رفورماسیون - تعداد محاکمه های جادوگران کاهش یافت. سپس در حدود 1550 تعقیب و آزار